



# زندگی در ایران باستان

نوشته ماری نوری رات

ترجمه ع. میرسپاسی





نمارة ثبت کتابخانه ملی: ۱۸۱۶-۱۳۵۷/۶/۲۹

بهاء: ۶۰ ریال

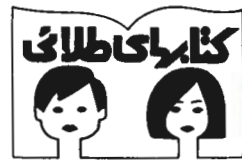
# زندگی در ایران باستان

اسکن شد



نوشته ماری نوری رات

ترجمه ع. میرسپاسی



وابسته به «مؤسسه انتشارات امیرکبیر»

نوی رات، ماری

زندگی در ایران باستان

ترجمه ع. میرسپاسی

نقاشی: جان الیس

چاپ اول: ۱۳۵۳

چاپ دوم ۱۳۵۷

چاپ شرکت افست «سهامی عام» چاپخانه بیست و پنجم شهریور

حق چاپ محفوظ است.

کشور ایران که در گذشته به پارس مشهور بود، فلاتی کوهستانی است که میان دریای خزر و اقیانوس هند واقع شده است و رشته کوههایی بلند آن را فراگرفته اند.



قدیمترین دهکده‌ها، در مرکز فلات، در کناره دریایچه‌هایی که دورشان از گیاهان سرشار بود، قرار داشتند. اما آب و هوا تغییر کرد، باران کمتری بارید، رودخانه‌ها پراکنده شدند یا از میان رفتند، و به جای دریایچه‌ها تنها بیابانی نمکزار بر جای ماند. ناحیه‌های پراکنده زمین بارور باقی ماندند و مردم در آنجاها به صورت گروه‌های کوچک و بسیار دور از هم زیستند.

خیلی زود مردم اندوختن آنها را فراگرفتند. سدها و خندقهایی ساختند و شاید قنات هم زیرزمین درست کردند. آنها از نخستین کشاورزان روی زمین بودند. هنگامی که مردها برای شکار یا ماهیگیری می‌رفتند، زنهایی که با کودکان در خانه می‌ماندند پی بردند که در میان انبوه گیاهان وحشی برخی گیاهان بهترند. از این گیاهان وحشی گندم و جوئی که امروز داریم بدست آمد.

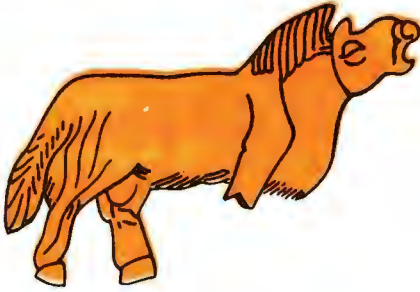


زنها توانستند نخ بریسند و پارچه بیافند. آنها در شمار نخستین کوزه‌گران بودند. کوزه‌ها بیشتر با طرحهای جانوران تزئین شده بود.

ده‌نشین‌ها پرورش‌گله‌های بسز، گوسفند و گاو را آغاز کردند.



اسب تا این زمان در این کشور ناشناخته بود. اما این تصویر بسیار قدیمی را بر روی یک تکه استخوان پیدا کردم. اسبی که در این تصویر به چشم می‌خورد از یک یابوی کوچک بزرگتر نیست.



اسبهای راستین آن سرزمین در چمنزارهای بزرگ آسیای میانه می‌زیستند. مردم آن ناحیه از نخستین انسانهایی بودند که آن اسبها را رام کردند، پرورش دادند، و نگاهشان داشتند.

سگ دوست مردم دهنشین شد. از سگ در شکار استفاده می‌کردند.

بر روی این لیوان تصویر چند سگ را، درست بالای بزی که شاخهای گرد بزرگ دارد، می‌توان یافت. در بالا، یک ردیف مرغ ماهیخوار با گردنهای دراز دیده می‌شود.



همسایه‌های پیشرفته‌تر غربی که در جلگه‌های بین‌النهرین شهرهای محصور ساخته بودند، بر این مردم کوهستانی از همه بیشتر تأثیر

بخشیدند. در پرستشگاه‌های آنها مردانی بودند که می‌توانستند بنویسند و حساب کنند. این شهرها بازرگانهایی به کوهستانها می‌فرستادند تا چوب و سنگها و فلزهای گرانبها را از آنجا بیاورند، و مردم کوهستانها از آنها نوشتن و حساب را یاد گرفتند\*. آنها به صورت زیر چیز می‌نوشتند:

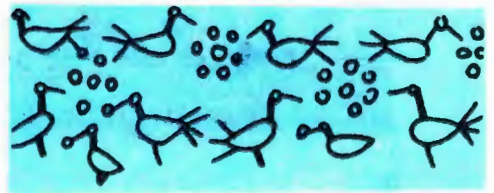


برخی از این علامتها نشان دهندهٔ عدد است. برخی دیگر، مانند اسبهایی با یالهای گوناگون هستند. بابلی‌ها روی گل می‌نوشتند و سپس آن را می‌گذاشتند تا خشک شود و مهرهایی با علامتهای مخصوص می‌ساختند که بر روی کوزه‌ها می‌زدند یا نوشته‌ها را با آن مهر می‌کردند. نخستین مهرهایی که مردم کوهستان ساختند گرد و شبیه تصویر بالا بود:

بعدها مهرهای استوانه‌ای شکل نیز به کار رفت. در زیر، دو تا از طرحهای مهرها دیده می‌شوند، یکی دارای نقش بز و دیگری دارای نقش پرنده است. در پایین صفحه، تصویر مهر استوانه‌ای حکاکی شده‌ای دیده می‌شود که آن را روی گل نرم می‌غلطاندند تا تصویرهای مهر روی آن نقش ببندد.

\* با آثاری که تا زکیها پیدا شده، می‌توان گفت که خط و حساب در فلات ایران قدیمتر از بین النهرین است. بنا بر این گمان

نمی‌رود ایرانیها خط و حساب را از بابلیها یا مردم دیگر بین النهرین یاد گرفته باشند. - م.







تنها بازرگانها از جلگه  
 به این سرزمین کوهستانی نمی-  
 آمدند بلکه سربازها هم می-  
 آمدند. در این تصویر یک  
 فرمانده جنگی دیده می شود که  
 شهرهای دارای پرستشگاه را در  
 ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد گرفت  
 و همچنین به سرزمین کوهستانی  
 ایران حمله کرد. دشمن شکست  
 خورده زیر پای اوست، خورشید  
 مقدس بر فراز سرش می درخشد،  
 و به او پیروزی می بخشد.

در دست دارد و خورشید بر  
 فراز سرش به چشم می خورد.  
 الهه‌ای که به شیوه بابلیان  
 لباس پوشیده، زندانیان جنگی  
 را که به طناب بسته شده‌اند  
 تسلیم می کند.

مردم کوهستانها بزودی  
 همان روش جنگ کردن و جشن  
 گرفتن پیروزی خود را یسار  
 گرفتند. این فرمانده نیز کمانی

این جنگ ممکن است  
 بین قبیله‌های کوهستانها روی  
 داده باشد. اما قبیله‌های کوه-  
 نشین به جلگه‌ها فرود می آمدند  
 و به شهرهای ثروتمند حمله می-  
 کردند و آنجا را می گرفتند.





یکی از بزرگترین اختراعات مردم شهرنشین جلگه‌ها چرخ بود. چرخهای اولیه از چوب محکم ساخته شد و به کار بردن آنها خیلی شایع گردید. بر روی یک سطل زرین که از کوهستانهای فلات ایران بدست آمده است چرخهای ارابه پره‌دار نشان داده شده است.

مردمان مرغزارها که اسب پرورش می‌دادند به کار بردن چرخ را هم فراگرفتند. از هنگامی که اسبها را به گاریها بستند توانستند راه زیادی پیمایند. در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد، با خانواده و گله‌شان به جستجوی سرزمینهای پر ثروت‌تر حرکت کردند. این مردمان را هند و اروپائی و برخی از آن میان را ایرانی یا آریایی می‌خوانند. آنها به بالکان و



یونان و آسیای صغیر و هند رفتند. همچنین به فلاتی که به آن نام ایران را دادند آمدند. به صورت چندین موج انسانی وارد این سرزمین شدند. پارسیها از آخرین دسته‌ها بودند.

همه این مردمان در فلز کاری ماهر

بودند. اما برای کار در خانه‌ها بازگوزه‌گری معمولتر بود. یک سفال عالی مانند تصویر مقابل، باشکلهایی از اسب و خورشید، شاید احتمالاً برای مراسم ویژه‌ای به کار می‌رفته است.



ایرانیها با ارابه‌ها، گاریها، و اسبهاشان خدمات خود را به کدخدایان قصبه‌ها عرضه کردند و در کنار مردم دیگر اقامت گزیدند و به زندگی کردن در میان کشاورزان خو گرفتند. اما آنها باز هم بیش از آنچه کشاورزان عادت داشتند از جایی به جای دیگر می‌رفتند و ارتباط میان قصبه‌های پراکنده بیشتر می‌شد.

اندیشه‌های دینی تغییر یافت. در این تصویر نشان داده می‌شود که چگونه از خدایی که در عین حال هم پدر و هم مادر است دو قلوهای مقدس زاده می‌شوند. در هر دو طرف، پرستش‌کنندگان، با شاخه‌هایی در دست، ایستاده‌اند.



ایرانیها باور داشتند که دنیا به وسیلهٔ دو روان نیرومند، یکی خوب و دیگری بد اداره می‌شود. این دو با یکدیگر می‌جنگند. برخی از آموزندگان می‌گفتند روان خوب نیرومندتر است و سرانجام پیروز خواهد شد؛ هر انسانی باید در این نبرد شرکت کند و باید خودش تصمیم بگیرد که کدام طرف را انتخاب کند؛ پس از مرگ هم مورد بازجویی قرار خواهد گرفت و تنها در صورتی که رفتار و پندارش نیک باشد می‌تواند به دنیای دیگر برود. از این رو، هر کسی بایستی یاد می‌گرفت که چه چیز خوب و چه چیز بد است. برخی از آموزندگان به آنها می‌گفتند که زندگی پا-برجای کشاورزی خوب است و زندگی سرگردان مانند ایلها بد است. جنگیدن با قبیله‌هایی که می‌کوشیدند برای غارت به سرزمین آنها وارد

شوند وظیفه هر کس و کرداری نیک بود.

ایرانیها نیرومندترین گروه آن سرزمین شدند. هر چه بیشتر در میان ساکنان قدیمی زندگی کردند اوضاع هم بیشتر تغییر کرد. قصبه‌ها به صورت دژ در آمدند. شاهزادگان با رعیت‌های خود می‌زیستند و بر کشاورزان فرمانروایی می‌کردند. دژها، جاده‌ها، پلها، و کاریزهای زیاد با بیگاری، یا به دست زندانیهای جنگی، ساخته شد. شاهزاده‌ها به بهره‌برداری از معدنها و پشتیبانی از بازرگانها پرداختند. داد و ستد با جاهای دوردست افزایش یافت.



در اسب سواری ایرانیها شهرت زیادی بدست آوردند. آنها می‌توانستند در حالیکه بر پشت اسبهای بی‌رکاب می‌تاختند، تیر و نیزه خود را به سوی هدف پرتاب کنند. همسایه‌های آنها، آشوریها نیز سواره-نظامی درست کردند تا با آنها در میدان جنگ برابری کنند.

ایرانیها می‌بایست از مرزهایشان پاسداری کنند: در شمال، خطر قبیله‌های سرگردان وجود داشت و در غرب خطر یک امپراتوری مهاجم و توسعه طلب. برای پاسداری از مرزهای کوهستانی که مهاجمین بایستی از آنها می‌گذشتند، آنها دژهایی با دیوارهای استوار، همراه با

جان‌پناه و برج بر پا کردند که از فراز آنها می‌توانستند از خود دفاع کنند.

ارتشهای آشوری آمدند و کوشیدند فلات ایران را بگیرند. آنها شکل دژهایی را که در آنجا دیدند کشیدند.



در نبردی که روی داد ایرانیان پیروز شدند آنها امپراتوریهای آشور و بابل را از میان برداشتند. سپاهیان آنها به صحرا و دریا پیش رفتند.

شاهان ایرانی بزرگترین شاهنشاهی را که تا آن هنگام گیتی به خود دیده بود برپا کردند. مردمی که اسیر و گرفتار بودند از آنها به عنوان آزاد کننده پیشواز کردند. به یهودیان و دیگران که در بابل اسیر بودند اجازه داده شد به میهن خویش بروند و یهودیان پرستشگاه خود را در اورشلیم دوباره بنا کردند. اشعیاء، پیامبر یهود، شاه ایران را ستوده است. او می‌گفت که خداوند دست راست شاه ایران را هدایت می‌کند.

از این زمان ایران نزد همهٔ مردم متمدن شناخته شد. تاریخ-نگاران یهودی و یونانی دربارهٔ ایران نوشتند: آنچه ایرانیها نوشته بودند بیشتر از میان رفته است. برخی از نوشته‌های ایرانیان بر روی کتیبه‌های ساختمانهای بزرگ آنها، یا بر روی صخره‌های بلند که آن را برای نوشتن تراشیده و صاف کرده بودند، به جای مانده است.



شکل بالا داریوش بزرگ را که در سال ۵۰۰ پیش از میلاد به تخت نشست پس از پیروزی بر هشت شاهزاده‌ای که در برابر او ایستادم اند نشان می‌دهد. داستان این نبردها و جنگها و پیروزیها در متن طولانی که به صورت الفبای میخی بر صخره سنگها به سه زبان کنده شده است، آمده است. از این متن با دقت رونوشت برداشتند و آنها را مورد پژوهش قرار دادند. سرانجام دانشمندان توانستند این زبانهای باستانی را ترجمه کنند.

تصویر بالدار بر فراز سر داریوش روان یا خدای نیکی را که این کارها به نام او انجام گرفته نشان می‌دهد. داریوش به جنگ رفتن خود

را با پشتیبانی آسمانی او می دانست. آن شکل بالدار در تصویر زیر هم به چشم می خورد :



این مهر داریوش است که با آن فرمانها را رسمیت می بخشید. شاه در ارابه ای نشان داده شده در حالی که شیری را به تیر می زند، شیری دیگر در زیر سم اسب خرد شده و افتاده است. در کنار تصویر نام او به سه زبان رسمی شاهنشاهی نوشته شده است.

شکل درخت خرما شاید برای این آورده شده که داریوش و دیگر شاهان دوستدار درخت بودند و به هر کجا که می رفتند کاشتن درختان میوه را تشویق می کردند. در کنار کاخهایشان باغهایی بود با درختان سایه افکن که هوا را خشک می کرد، همراه با چشمه ها و استخرهای آب. لغت پردایس که در زبان انگلیسی به معنای بهشت است از لغت «پردیس» فارسی که به معنای محوطه محصور یا باغ است آمده است. تأثیر خوش این واژه نشان دهنده آن است که ایرانیها چه اندازه باغها-یشان را دوست می داشته اند.

در میان شهرها یکی را به پایتختی شاهنشاهی برگزیدند. داریوش در سرزمین خود در جنوب غربی ایران، یک پایتخت مقدس ساخت که آن را تخت جمشید می خوانند. خرابه های بسیار گسترده ای هنوز در آنجا

به چشم می خورد. هنوز ستونهای بلندی در آنجا هست که سقف تالار بزرگ پذیرایی بر روی آنها قرار داشت. بر روی دیوارها که اکنون نیمه فرسوده شده است نقشهای زیادی کنده شده بود.



در شکل بالا که در تخت جمشید قرار دارد داریوش بر تخت دیده می شود که گل کُنار را در یک دست گرفته و عصای زرین را که با آن به نجیب زادگان اجازه می داد در برابر او سخن بگویند در دست دیگر دارد. در پشت سرش خشایارشا پسر داریوش و دو نفر از بزرگان با نشانه های مقامی که داشته اند، یعنی طناب و تبر، به چشم می خورند. در برابر شاه دو محراب کوچک دیده می شود.

شاه شاهان فرمانروای همه شاهنشاهی بود و شاهزادگان، استانها را اداره می کردند. شاه در کاخ خودش گزارش آنها را می شنید و انجمنها را به حضور می پذیرفت. او یگانگی و ارتباط را برقرار ساخت و مراقب ساختن جاده ها و ایمنی سفر بود. در دوره او ساختمان آبراهی که مدیترانه را به دریای سرخ (بحراحر) می پیوست آغاز شد. کشتی ها روانه شدند تا بهترین راه را از هند به مصر و دریای مدیترانه و کناره های اقیانوس اطلس بیابند.





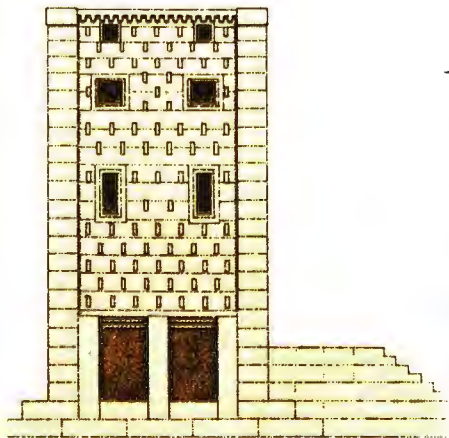
شکل‌های بالا که بر روی پلکان و دیوارهای تخت جمشید به چشم می‌خورد نمایندگان استانهای بیشمار و سرزمینهای بیگانه را که برای احترام گذاشتن و دادن هدایا به شاه در آستانه سال نو آمده‌اند نشان می‌دهد. لباس آنها نشان دهنده سرزمینی است که از آن آمده‌اند. بسیاری از آنها شلوار به پا دارند که نشان می‌دهد سوارکارند. برخی از آنها مشک‌های چینی در دست دارند که شاید در آنها شراب یا روغن بوده است. در کاخها ثروت زیادی گرد آمده بود، زیرا می‌بایستی پول زیادی به درباریان و ارتش پیردازند و نیز برای خوراک دادن به گرسنگان در سالهای قحطی نیز مال زیادی اندوخته شده بود. رویهمرفته زندگی مرفه بود و نه تنها در زمینه کالاهای تجملی، بلکه در زمینه خوراکیهای لازم برای همه مردم، مانند ماهی دودی، نیز بازرگانی رونق بسیار داشت. پیوسته اسبهای بیشتری پرورش می‌یافت. به آنها یونجه می‌دادند که یک گیاه ایرانی است و در همین زمان در یونان و چین نیز رواج یافت.



در شکل کناری، شاه در حال دادن هدیه‌ای در راه خدا دیده می‌شود. او تیر و کمانی بر دوش دارد و گل کناری در دست. در محراب پیش روی او آتش می‌سوزد. هم آب و هم آتش مقدس بودند.

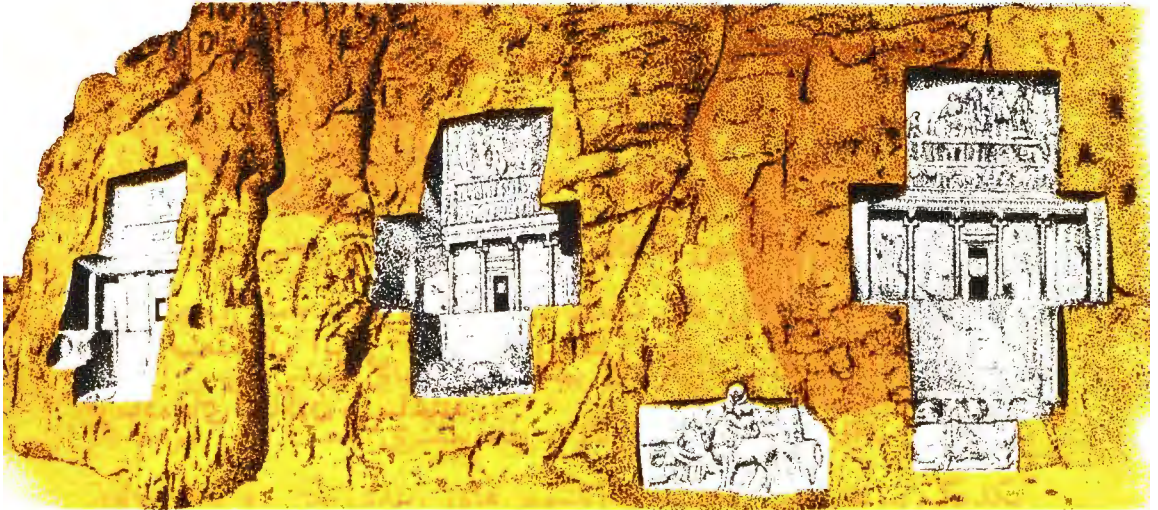


مراسم دینی در هوای آزاد انجام می‌گرفت. در ایران پرستشگاه‌های کمی وجود داشت. این پرستشگاهها برجهای ساده‌ای بود با پلکانی که به یک اتاق کوچک در درون برج پایان می‌گرفت. در این اتاق روحانیون پاسدار آتش شعله آتش را همواره روشن نگاه می‌داشتند.



گفته می‌شود که سنت یاد شده در روزگاران پیش از تاریخ آغاز شده است. گاز از شکاف یکی از غارها بیرون زده، شعله‌ور شده بود. شاید این نخستین نشانه بودن نفت در زیر سراشیب کوهستانها بوده است. نفت امروزه یکی از منابع ثروت ایران است.

یکی از پرستشگاههای دارای آتش در برابر صخره‌سنگهایی است که گورهای شاهان در آن کنده شده است. در طی سده‌های بسیار، مردم در اینجا گرد می‌آمدند. بسیاری از شاهان بعدی پیروزی خود را در اینجا با نقشهایی که بر روی صخره سنگی در کنار گورها کنده شده است نشان داده‌اند.



هنگامی که ایرانیان در دوره داریوش و خشایارشا کوشیدند یونان را فتح کنند و موفق نشدند، از کشورگشایی بیشتر دست برداشتند، و به پیشرفت بخشیدن به سازمان کشوری، صنعت، و ثروت روی آوردند. با به کار بردن رطوبت، قشر زیرین خاک باغها و کشتزارها را گسترش دادند: کاریزهای زیرزمینی طولانی ساختند و آب را از زیر زمین به روی خاک آوردند. گیاهان و جانوران تازه‌ای پرورش دادند. ایرانیان نخستین مردمی بودند که مرغ و دیگر پرندگان را پروردند. با بیگانگانی که بیشتر به زبان آرامی، زبان مردم سوریه و فلسطین، سخن می‌گفتند به داد و ستد پرداختند. کم‌کم زبان آرامی و الفبای آن به حدی رواج یافت که ایرانیان آن را نیز مانند زبان رسمی در کارهای اداری به کار می‌بردند.

ایران ثروتمند و مرفه بود  
از سنگها و فلزهای گرانبها برای  
آرایش استفاده می‌شد.



صنعتگران ایرانی کوزه‌های زیبایی  
از ماده‌های گوناگون می‌ساختند.

زر و سیم زیاد به کار می‌رفت و  
پیوسته سکه‌های بیشتری ضرب و پخش  
می‌شد. دستمزدها را بیشترها به صورت  
کالا می‌پرداختند، اما اکنون پیوسته  
بخش بیشتری از آن به صورت نقد پرداخت  
می‌شد. اما مالیاتهای کم و بیش زیادی  
به صورت جنسی پرداخت می‌شد مانند  
خوراک برای سپاه و خدمت برای کارهای  
عمومی گوناگون. هر چه سازمان مرکزی  
کشور کارهای بیشتری برای مردم انجام  
می‌داد مجبور می‌شد بیشتر به همکاری  
مردم تکیه کند.





اسکندر ارتش ایران را در نبردی سخت و بسیار درخشان در هم شکست. رفاه مردم در هنگام فرمانروایی بیگانگان چندان آسیب ندید. یونانیها دگرگونی‌هایی پدید آوردند: شهرهای تازه‌ای به سبک خودشان ساختند و در شهرهای کهن بناهای تازه‌ای بر پا کردند. هنرمندان یونانی پیکره‌هایی مانند شکل بالا درست کردند. آنها گفتند همه زمینها مال شاه است. اما دهقانها از آزادی بیشتر از زمانهای پیشتر و پس از آن داشتند\*. با افزایش حدود بازرگانی، رفاه بیشتری بدست آمد. مردم با یکدیگر پیوند خوبی داشتند و زناشویی‌های زیادی بین دو نژاد روی داد. زبان یونانی نیز در کنار آرامی به کار رفت. بخشی از یک کتیبه یونانی که در ایران بدست آمده در شکل زیر دیده می‌شود. خدایان یونان نزد ایرانیان بسیار شناخته بودند و یونانیان گفتند که خدایشان دیونیزوس از یکی از دره‌های زیبای ایران برخاسته است.



اما این رفاه را رومیان بر هم زدند. رومیان در اوضاع داخلی بسیاری از کشورهایی که ایران با آنها داد و ستد داشت دخالت کردند و همه فرمانروایان یونانی را شکست دادند و ایران را بزرگترین دشمن خود به شمار آوردند.

\* خوانندگان توجه دارند که نویسنده با همه بیطرفی و حسن نیتی که داشته این حرفها را از دید غربیها نوشته است. - م.

ایران در این زمان زیر فرمان پارتها بود که از شمال شرقی آمده بودند. پارتها افتخاری بالاتر از مردن در میدان نبرد نمی‌شناختند. تیر و کمان به کار می‌بردند و شترها را با تیرهای اضافی بار می‌کردند و به میدان جنگ می‌آوردند. رمیها نمی‌توانستند از پس پارتها بر بیایند و هرگز نتوانستند قلمرو پارتها را فتح کنند.



برخی از پارتها آستینهای دراز و شلوارهای چین‌دار داشتند و شمشیر سنگینی به کمر بندشان می‌آویختند. از برخی لحاظ عقب مانده بودند و این را خودشان می‌دانستند. یونانیها و پارسیها را ستایش می‌کردند و کارهای پیچیده بازرگانی و اداری را به آنها واگذاشته بودند. شاههای کوچک بومی را به حال خود گذاشته بودند و تنها به فرمانروائی بر آنان خرسند بودند.





سوارکاران پارتی شبیه  
 جنگجویان جنگهای صلیبی  
 بودند و زره آهنیشان، هم  
 سوار و هم اسب را می پوشانید.  
 این سواره نظام سنگین بود که  
 با نیزه و شمشیر می جنگید.

اشراف کم اهمیت تر که  
 با تیر و کمان می جنگیدند سواره  
 نظام سبک را تشکیل می دادند  
 که ترس آورترین و نامی ترین  
 بخش ارتش بود.



سنتهای کهن دینی دنبال  
 شد. این شاهزاده در حال  
 پرستش در کنار محراب آتش  
 دیده می شود. اندیشه های  
 دینی یونانی نیز مانند زبان  
 یونانی به جای مانده بود.



حلقه در آن زمان نشانه پیروزی به شمار می‌رفت. در اینجا شاه که بر تخت نشسته حلقه‌ای به مردی که ایستاده می‌دهد. این مرد شاید شاهزاده‌ای باشد که بایستی بر یکی از استانها فرمان براند.

در بازرگانی خارجی از پیشرفتهای تازه سودهای بزرگی بدست آمد. ایرانیها دارای موقعیتی ممتاز بودند زیرا از آنجا که راه ابریشم از کشورشان می‌گذشت بازرگانی ابریشم میان چین و رم را در دست داشتند. رمیها پیوسته ابریشم بیشتری می‌خواستند از این رو کوشیدند راه دیگری در شمال ایران درست کنند اما در این کار شکست خوردند. از این رو مجبور شدند از بازرگانان ایرانی خرید کنند و بهایی را که آنها درخواست می‌کردند بپردازند. حتی در زمان جنگ این بازرگانی ادامه می‌یافت. در همین زمان چیزهای خوب دیگری نیز از چین به غرب می‌رفت: گلایی، زردآلو، و نیشکر.

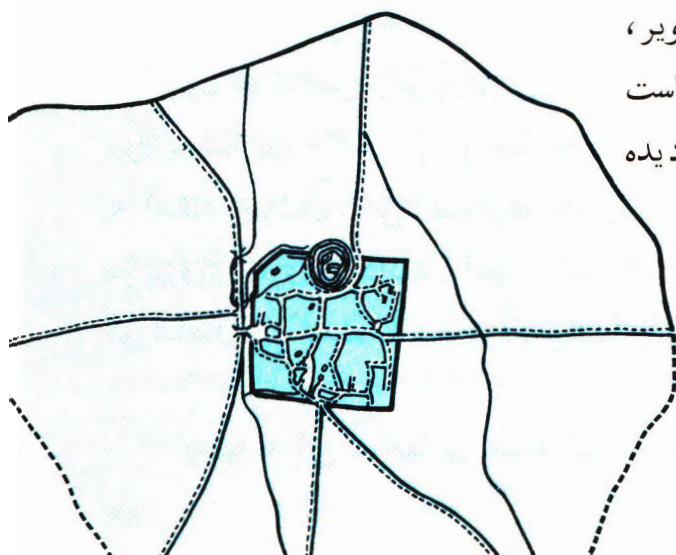
تصویر چهره شاهان پارتی بر روی سکه‌های دوران آنها به چشم می‌خورد.







موقعیت ویژه ایران بین غرب و شرق همیشه به سود آن کشور نبود. زودتر و بیشتر از هر کشوری که در آن مردم به زندگی شهرنشینی پرداخته‌اند آنها در خطر هجوم بیگانگان قرار داشتند. این خطر از سوی قبیله‌های علفزارهای آسیا و اروپای شرقی که پیوسته در حرکت بودند می‌آمد. همه اروپا سرانجام دچار این خطر شد و سده‌های پی در پی گرفتار آن گردید. در این گونه موقعیتها توجه زیادی به دفاع کشور می‌شد و شهرهایی با دژهای نیرومند ساخته شد: دیواری دراز و دایره شکل، شهر و کشتزارهای دور آن را فرا می‌گرفت تا مردم و جانوران، طی محاصره‌های طولانی بتوانند آذوقه داشته باشند.



در مرکز این تصویر، شهری که ساخته یونانیان است با یک دژ داخلی استوار دیده می‌شود.

تا هنگامی که از پیشرفت قبیله‌های مهاجم و ارتش رم جلوگیری می‌شد، ایرانیان سده‌های بسیار در آرامش زیستند. پررونق‌ترین دوران تاریخ آنها میان ۲۰۰ تا ۶۰۰ پیش از میلاد بوده است. در این هنگام سلسله تازه‌ای به تخت رسید که از سرزمین داریوش آمده بود: سلسله ساسانیان.



در این تصویر یکی از شاهان ساسانی حلقه نیرومندی را از فره ایزدی دریافت می‌کند. بدکاران در زیر سم اسبان آنها دیده می‌شوند. آنها چون دو شخص برابر رو در روی هم قرار گرفته‌اند. نقش خدا، دادن نیرو به شاه بود و پس از آن همه کارهای زمینی به شاه واگذار می‌شد. به اعتقاد ایرانیان، این تصویرها دارای نیروی جادویی بودند و شاه را در پیروزی یاری می‌دادند. اینها را هنرمندان بر صخره سنگهای نزدیک گور شاهان می‌کنند تا همه مردم ببینند.

رمیها به این شاهها نیز حمله کردند و از آنها شکست خوردند. در

این شکل یکی از امپراتوران رم دیده می‌شود که در برابر شاهنشاه ساسانی زانو زده است. هزاران نفر از سربازان او زندانی و در سرزمینهای درون کشور مستقر شدند. دانش و استادی آنها در ساختن سدها، پلها، شهرها، و دژها به چشم می‌خورد.



این دوره، زمان نخستین گروههای مسیحی بود که برخی از آنها در ایران اقامت‌گزیدند. اندیشه سه‌گانگی (ثلیث) بر اندیشه‌های دینی ایرانیان اثر گذاشت. در این دوره به مذهبهای گوناگون علاقه زیادی نشان داده می‌شد و آنها را مورد بررسی قرار می‌دادند و باهم می‌سنجیدند. برخی از روحانیون از آسانگیری دینی که برخی از شاهان ساسانی نشان می‌دادند خرسند نبودند و گاه‌گاه به آزار پیروان دینهای دیگر می‌پرداختند. گفته‌های پیامبر باستانی ایران برای نخستین بار در این زمان نوشته شد و ایرانیها دارای کتاب مقدس اوستا شدند.\*

\* این نظریه که کتاب اوستا برای نخستین بار در زمان ساسانیان نوشته شده صحیح نیست. بی‌گمان ایرانیان از پیش از هخامنشیان دارای خط الفبایی بوده‌اند. چنانکه صدها کتیبه هخامنشی و کتیبه‌هایی که به تازگی از هزارها سال پیش از ساسانیان بدست آمده این حقیقت را روشن می‌کند. - م.

کاخهایی که این شاهها ساختند مایه شگفتی جهانیان بود. حتی امروز منظره خرابه‌های آن بسیار جذاب است. طاقهای قوسداری مانند اینها هرگز تا آن زمان ساخته نشده بود. اتاق دارای طاق قوسی شکل که به جلو باز می‌شود به اتاق مرکزی گنبد داری که در آنجا تخت شاهی قرار داشت می‌رسد. خانه‌های دهقانها ایوانی در جلو داشت که اتاقهای نشیمن در دو طرف آن بود. کاخ نیز ساختمانی همانند آن بود، اما در یک سطح بزرگتر، تا درباریان و خانواده شاه را در خود جای دهد. در این زمان داشتن چند زن برای مردان ثروتمند رایج بود.



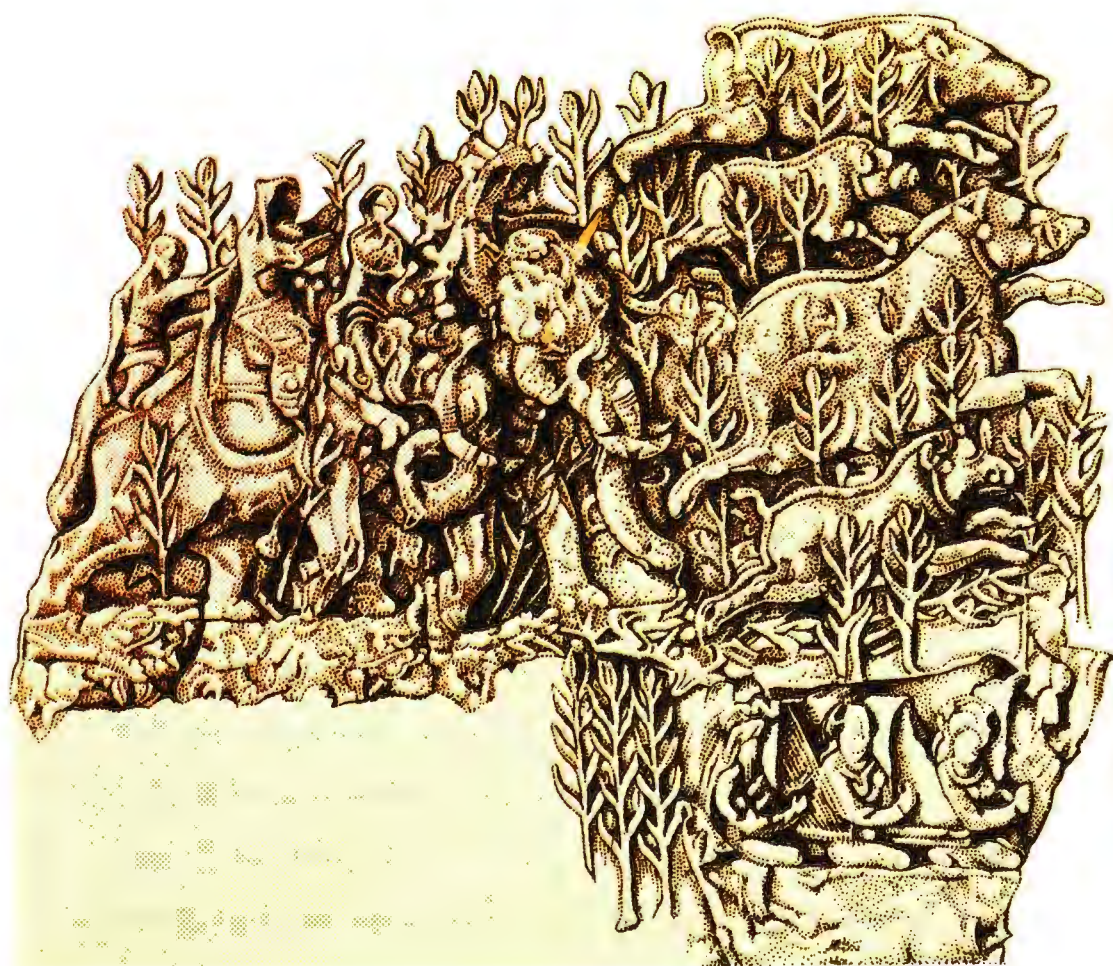
رعایای شاه در گرد او بودند و شاهزادگان مقامات مهم را در دست داشتند. در مورد موقعیت اجتماعی و آداب و رسوم درباری مقررات سختی وجود داشت. شاه در رأس قرار داشت و بسیار نیرومند بود، اما سرکردگان خانواده‌های اشرافی نیز نفوذ بسیار داشتند، زیرا آنها بودند که تصمیم می‌گرفتند شاه بعدی چه کسی باید باشد. نگاه داشتن توازن بین همه گروههای نیرومند کار پیچیده‌ای مانند بازی شطرنج بود. توده‌های مردم در دهکده‌ها می‌زیستند و کشتزارها را شخم می‌زدند. نجبا و گردآورندگان مالیات از میان دهقانان می‌آمدند اما بقیه کشاورزان نیز آزاد بودند منتهی عده زیادی به زمین وابسته بودند.

برای تأمین هزینه‌های بسیار زیاد دربار، علاوه بر در آمد زمین و معدنها و گمرک و غنایم جنگی، بایستی مالیات زیادی پرداخت می‌شد. در دربار دلقکان، شعبده‌بازان، رقاصان، و موسیقیدانان هم بودند. تصویرهای زیر بر روی موزائیکهایی که کف کاخ شاهی را می‌پوشاند به چشم می‌خورد. آنها نشان‌دهنده صحنه‌هایی از زندگی درباری هستند. هنر آشپزی پیشرفت بسیار داشت. ادویه خواستار زیاد داشت و بخشی در داخل کشور کشت می‌شد و بخشی از آن را از خارج می‌آوردند.



در دور و بر کاخها باغ بود و بخش زیادی از زندگی اجتماعی در هوای آزاد می‌گذشت. شطرنج و چوگان رواج داشت. شعرهایی خوانده می‌شد و بحث هم معمول بود. برخی از شاهها خودشان شعر می‌گفتند. برخی از آنها دستور دادند کتابهای نامی بیگانه به پارسی ترجمه شود. بسیاری از آنها به آموزش همگانی و رفاه مردم توجه داشتند. صنایع نوینی بر پا کردند و بر بهای کالاها، دستمزدها، و سازمان کارگران نظارت داشتند. این امر طبیعی است زیرا همه برنامه‌های بزرگ کار و تولید برای شاه و دولت انجام می‌شد.

یکی از ورزشهای کهن و مورد علاقه شکار بود. تصویر زیر  
صحنه‌ای از شکارگراز را در کناره باتلاقها نشان می‌دهد. شکارچیان  
بر فیل سوارند. این مراسم جنبه جشن دارد. زنها در درون قایق به  
نواختن موسیقی مشغولند.



یکی از موضوعهای مورد علاقه نقاشان شکار شیر به دست پادشاه بود. هیچکس جز شاه حق شکار شیر را نداشت. تصویر پیروزی شاه موفقیت های بعدی او را تضمین می کرد.



حتی بافندگان نیز، نه تنها در ایران بلکه در کشورهای دور دست، تا چندین سده پس از ساسانیان از این طرح استفاده کردند.



بافندگان این طرح را که یک سنگتراش ساخته است در طرح پارچه‌هایشان به کار می‌گرفتند. پارچه‌های ایرانی نامی‌ترین پارچه‌های آن روزگار بود. پس از سالها فروش ابریشم به بافندگان دیگر کشورها، ایرانیان تصمیم گرفتند خودشان ابریشم ببافند. شاه یک دسته از بافندگان سوری را در ایران مستقر کرد. به این ترتیب صنعت پارچه‌بافی ایران‌آغاز شد. بجز جانوران افسانه‌ای، درخت مقدس با جانوران پرستش‌کننده، شیرها، گلها، و طرح‌های زینتی برای طرح لباس دوباره تصویر شدند. این‌گونه پارچه‌ها تا جاهای دوردست برده می‌شد. در این زمان تصاویر قدیس‌ها و شهیدان را کلیسای مسیحی گردآوری می‌کرد. بسیاری از این تصاویر در پارچه‌های بافته بافندگان ایرانی یافت می‌شود و این پارچه‌ها هنوز هم بخشی از گنجینه کلیساهای ثروتمند به شمار می‌رود.





بازرگانی ایران گسترش یافت و حتی با کشورهای بیگانه با ایران در حال جنگ بودند ادامه یافت. ثروت ایران افزایش یافت و همه از آن برخوردار شدند. از جاده‌ها بخوبی نگاهداری می‌شد. از آبگیرها برای استراحت در دل بیابانها نگاهداری می‌شد، و برای بازرگانان در شهرهای کاروان‌رو تالارهای دیدار ساخته شده بود. سازمان پست برقرار بود و در آنجا نعل اسبها نیز عوض می‌شد. پیوسته سکه‌های بیشتری ضرب می‌شد و به جریان می‌افتاد. مس نیز مانند سیم و زر به کار می‌رفت. شاهان چنانکه بر روی سکه‌ها نشان داده شده، تاجی بزرگ بر سر دارند. در پشت سکه گاهی تصویر محرابی باستانی دارای آتش دیده می‌شود.



علاوه بر سکه چک نیز به کار می‌رفت که قطعات کاغذی بودند که در آنها پرداخت تعهد شده بود. ایرانیها چک را اختراع کردند. این لغت از پارسی به دیگر زبانها رفته است. وام دادن پول گسترش بسیار داشت. بانکهای ایرانی در کشورهای دوردست بیگانه هم شاخه‌هایی داشتند. این شیوه کار در همه جای دنیا شناخته شد و از آن پس دیگر از میان نرفت. همسایگان عرب سالها ایرانیها را می‌ستودند و از آنها تقلید می‌کردند. گاهی شهزادگان عرب را فرا می‌خواندند تا در ایران در جنگ یک دسته با دسته دیگر همکاری کنند. سرانجام ارتشهای عرب ایران را فتح کردند و سلسله ساسانی که دچار پراکندگی شده بود از میان رفت.

عربها که از هر لحاظ ناآزموده بودند چگونه می‌توانستند بر یک شاهنشاهی که از هر لحاظ برتر بود فرمانروایی کنند؟ آنها رایزنان ایرانی را که از خودشان بیشتر چیز می‌دانستند به کارگماردند و به این ترتیب پیشرفتهای بدست آمده، و روش زندگی ایران نابود نشد. برای هدفهای تازه از استادی پیشینیان بهره‌گرفتند. یک ایرانی این نقشه دنیا را که عربستان در مرکز آن قرار دارد طرح کرده است. کشوری که بیش از هر کشور دیگر جزئیاتش نشان داده شده، میهن خود وی، ایران است.

